

عنوان مقاله:

بازتاب کهن الگوها در داستان سیاوش

محل انتشار:

هشتمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون حماسی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

فاطمه چنانی - کتری زبان و ادبیات فارسی، استاد دانشگاه فرهنگیان فاطمه زهرا اهواز، دبیر رسمی آموزش و پرورش، شوش دانیال

احمد چنانی - کارشناسی آموزش ابتدایی، مدیر مقطع ابتدایی مدارس آموزش و پرورش بخش شاوور

زینب خنیفر - کارشناسی ادبیات، آموزگار مقطع ابتدایی مدارس آموزش و پرورش شهرستان شوش

خلاصه مقاله:

کهن الگو یا آرکیتایپ در ابتدا از اواخر قرن نوزدهم بیشتر در حوزه روانشناسی و به وسیله یونگ که خود از شاگردان فروید بود، معروف شد. یونگ آن ضمیر ناخودآگاه را که استادش فروید طرح کرده بود را توسعه داد. کهن الگو گنجینه ای از نخستین ادراک ها و تجربه های بشر از جهان است که در ناخودآگاه جمعی او پنهان مانده و اسطوره ها بر بنیان آنها شکل گرفته اند. بررسی و تحلیل آثار داستانی، خصوصا منظومه های حماسی از جهتشناخت کهن الگوها، بسیار ارزشمند است. فردوسی نمادی از کهن الگوی خردمند است که به نمونه های پیشین اساطیری را به صورت کهن الگو در قالب منظومه ای حماسی در شاهنامه به صورتی بدیعی و هنری عرضه کرده است. تاکنون داستان های بسیاری در ادبیات فارسی با این دیدگاه بررسی و تحلیل شده اند؛ اما داستان سیاوش در شاهنامه فردوسی تاکنون به طور منسجم از این جنبه بررسی نشده است. در داستان سیاوش کهن الگوهای فراوانی وجود دارد، که استاد بی بدیل ادبیات حماسی آنها را به نحو زیبایی بازتاب داده است. این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است، بر آن است که به بازتاب برخی از کهن الگوها مانند: کهن الگوی خواب و رویا، جاودانگی و تولد دوباره، کهن الگوی آتش و... همراه با شواهدی از شاهنامه فردوسی بپردازد.

کلمات کلیدی:

نقد، کهن الگو، یونگ، شاهنامه، سیاوش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/978232>

